



بِسْمِ تَعَالَى

جلسه دهم سرکار خانم همیز

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

یک جمله‌ای است در بحث آداب الصلاة امام خمینی^(ره) صفحه ۲۰۰ به بعد است، در فهرست کتاب نگاه کنید، استفاده از شیطان به خدا را گفته است. این بحث خیلی جدی است. آنجا می‌گوید وقتی شیطان از ظاهر مؤمن ناامید می‌شود، می‌بیند ظاهرش کاملاً مذهبی است، یعنی ظواهر مذهب را با مردم رعایت می‌کند، اینجا لشکرش را جمع می‌کند به قلب او حمله می‌کند، حسادت، تکبیر، عجب، سوء ظن بالله، عصبیت، این‌ها را در می‌آورد، مثلاً فامیل من همه ممتازند، فامیل تو اصلاً نباشند. این را خداوند می‌گوید روز قیامت من اصلاً بوی بهشت را به او نمی‌دهم. چرا؟ چون این قدر این عصبیت این را پُر کرده، اصلاً نمی‌داند خدا چیست. حق خدا و مردم چیست؟ حق همسر چیست؟ خداوند توفیقاتان را زیاد کند.

خانواده، یک محیط مقدسی است که خداوند برای آن قانون‌گذاری کرده است. در قرآن به سه خانه اشاره می‌کند. یکی بیت عنکبوت، یکی بیت خراب شده و یکی بیت الله (که می‌گوید بیت الله خانه‌ای است که خدا اجازه می‌دهد نامش از آنجا برود)

خانواده، یک سازمان است، دو تا مدیر دارد. یکی خانم یکی آقا. حضرت محمد^(ص) می‌فرماید: الرَّجُلُ سَيِّدُ أَهْلِهِ وَ الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا، مرد مدیر خانواده است و زن مدیر خانه است. این نکته مهمی است. مدیر خانواده را از زبان پیغمبر داریم می‌شنویم. قرآن می‌فرماید: حضرت رسول^(ص) بهترین الگوی شماسست برای سبک زندگی. ایشان دارد می‌فرماید مرد، مدیر خانواده است. این را ما باید بپذیریم. نگوییم برو بابا، مردهای امروز را نگفته‌اند.

قرآن آیه ۳۴ سوره نساء می‌فرماید: الرَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ... می‌فرماید مردها قوام خانه هستند. به واسطه این که خداوند آن‌ها را برتر کرده است. ما، یا باید حرف خدا را زیر پا بگذاریم یا باید بگوییم بنده خدا هستیم. حضرت آیت الله جوادی آملی می‌فرمودند چوبی را می‌گذارند و رویش پارچه می‌اندازند خیمه درست می‌شود، این چوب را قوام خیمه می‌گویند. مثلاً در روضه‌های امام حسین علیه‌السلام می‌گویند ایشان وقتی حضرت عباس علیه‌السلام شهید شد، آمدند این چوب را کردند و خیمه خوابید. یعنی قوام دیگر رفت.

قبلاً گفتم، مرد در سه جا باید قوامیت به دست بیاورد: خانه پدرش، کنار همسرش و در جامعه. الان شما مادر پسر هستید، مادر پسر وظیفه شرعی اش است پسرش را قوام تربیت کند در خانه. بعد، شوهرش را هم در خانه نشکنند. کسانی که شوهرشان را می‌شکنند، فرعونند. حرف خدا را زیر پا می‌گذارد.



پسر، پدر می خواهد. وقتی شما توی خانه پدر را قوام تربیت می کنی خودت احساس آزادی می کنی. ولی وقتی پدر را می شکنی، همه زندگی را پاشیده ای.

در سوره فرقان می فرماید: ایام بین شما می چرخد. یک روز به نفعتان است یک روز به ضررتان. حضرت علی علیه السلام می فرماید: از روزی که به نفعتان است برای روزی که به ضررتان است استفاده کنید. من باید حدود الهی را رعایت کنم. نباید به عادت‌ها، و به مشکلات شوهرم نگاه کنم! مثل ضرب المثلی که داریم می گوید: چیزی چه خوشگل است می گوید چشم‌تان خوشگل می بیند. وقتی بد می بینی، یعنی چشم‌هایت بد می بیند. خودت بد می بینی، او که بد نیست. خداوند همه بندگان خودش را دوست دارد. پس چرا من باید او را بد بینم؟ پس من باید تجدیدنظر کنم که چرا دارم بد می بینم؟ باید خوب بینم. این را باید خانم‌ها در رفتارشان عوض کنند.

قرآن می فرماید تجسس، گناه کبیره است. در فقه می گوید آن‌هایی که خداوند با لا آورد، یعنی نهی کرده، نهی مستقیم، کسی آن را مرتکب شود گناه کبیره است که جز با آتش پاک نمی شود.

در قرآن وقتی خداوند می فرماید، ما به زکریا که دعا کرد بچه دادیم. اینجا می گوید پسر باید سید باشد. باید آقا تربیت بشود. کدام پسر در خانه آقا تربیت می شود؟ وقتی پدرش آقا باشد. در بحث سوره یوسف، وقتی حضرت یوسف فرار می کند از دست زلیخا، قرآن می فرماید یوسف به طرف در فرار کرد، این از پشت لباسش را کشید. یک مرتبه سید این زن، در کنار در پیدایش شد! یعنی شوهرش پشت در پیدا شد. پس دیدید، شوهر سید است، در قرآن آقا است. در دعای حضرت زکریا، در پاسخ خدا می فرماید: ما به تو یک پسر دادیم که سید است، آقا است. پس، منی که مسلمان شیعه هستم، و قرآن را قبول دارم، باید شوهرم را سید بینم، والا بی ارزشم.

آیه ۲۵ سوره یوسف می گوید: یک مرتبه آقای این خانم پشت در پیدا شد. آن وقت این زن فوراً فیلم بازی کرد. گفت: این به من نظر سوء داشته، اگر این به تو نظر سوء داشت چه می کردی؟ جز این که زندانش بیاندازی یا عذاب دردناک به او بدهی؟ اینجا شاهدی آمد و قضاوت کرد.

مرد باید در خانه سید تربیت شود اگر از جنس پسر است. مادر حق ندارد او را تحقیر کند. بگوید: بی عرضه، دست و پاچلفتی، هیچ کاره می شوی. از آن طرف، به شوهر هم همین طور.

حضرت محمد (ص) می فرماید: آگاه باشید در ایام روزگار شما، یک نسیم‌های بهشتی می وزد. بروید و استفاده کنید. و وقتی که این نسیم گذشت، تمام شد.

خانم‌هایی بسیار خوب جواب می دهند. بسیار خوب دارند تلاش می کنند واقعاً هم به ایشان فشار می آید واقعاً هم دارم تغییرات می بینم. توی نوشتارشان، گفتارشان، رنج‌هایشان را می بینم. خیلی به آن‌ها تبریک می گویم که در تغییر خودشان این قدر موفقند. این خودش خیلی ارزش دارد. زن در تغییر خودش موفق باشد خدا حتماً زندگی را



برایش درست می‌کند. کسانی که خودشان را تغییر می‌دهند، خداوند تغییرات اساسی ایجاد می‌کند. خدای مقلب

القلوب، قلب شوهر را برمی‌گرداند، بچه‌هایش را عاقبت به خیر می‌کند، خانواده‌ی همسر را مطابق او می‌کند.

مرد در خانه باید قوام باشد. قرآن می‌فرماید: مردها ذاتاً آقا هستند، برترند. این برتری را من باید بپذیرم و حفاظت

کنم. پسرها قوام زندگی مادر هستند. خیلی نعمت‌ها در این گروه شما هست.

من شکر می‌کنم که یک مردی است که هر دقیقه نان من سرجایش است، غذای من سرجایش است، لب‌تر کنم

می‌رود در بازار این رامی‌خرد آن را می‌خرد شب‌روز. حضرت فاطمه زهرا^(س) چطوری برای حضرت علی علیه‌السلام

کار کرد. بچه‌ی او را کشتند، سیلی به صورتش زدند که جلوی فرزندشان نقش زمین شدند، در کوچه، در بستر

بیماری هستند. حضرت علی^(ع) می‌آیند می‌فرمایند این دو تا اجازه ملاقات خواستند با تو. (چقدر پست و کثیف‌اند)

خانم، آقا را سید دید، گفت: خانه، خانه‌ی توست و من کنیز توام! ... خانم، الرجال قوامون علی النساء را قبول می‌کنند.

آنچه را خداوند الان برای من قرار داده، من لیاقتم همین بوده. پس من نمی‌توانم بگویم من برترم. پس باید چکار

کنیم؟ اگر می‌شد ما یک برگه دست شوهرمان می‌دادیم می‌گفتیم نفرت را راجع به من بگو. حقیقت را هم بگو!

که بروم خودم را درست کنم. ما فکر می‌کنیم واقعاً بی‌عیب و نقص هستیم.

پس وقتی خداوند می‌فرماید من مرد را عمود خیمه زندگی تو قرار دادم، ما باید عمود نگاه‌اش داریم. در خانه

پسرها باید قوام تربیت شوند، یکی از شاخصه‌هایش این است که به آن‌ها احترام گذاشته شود. آن‌ها را آقا صدا

کنیم. به کلمه آقا عادت کند. چون قرآن می‌فرماید ما به شما سید می‌دهیم. شوهر هم همین‌طور. او را هم باید آقا

صدا کنیم.

وقتی شما شوهر را آقا صدا می‌کنی، در لفظ احترام می‌گذاری، بچه‌ها هم مجبور می‌شوند احترام بگذارند. بچه‌ها

باید به پدر و مادر احترام بگذارند. بچه‌ها باید جلوی پای پدر و مادر بلند شوند. وظیفه پدر است که بچه‌ها را

جلوی پای شما بلند کند و بالعکس. وقتی بابا می‌خواهد از در تو بیاید، همه باید بروند جلوی در استقبال. او

قوامیت‌اش باید در خانه حفظ شود. نباید جلوی بچه‌ها به ایشان توهین شود، نباید به شما توهین شود، این‌ها را باید

مواظبت کنیم. باید یواش یواش اجراش کنیم.

سلطنت و داوری متعلق به خداوند واحد قهار است. ما باید ذخیره‌ی مهربانی را برای قیامت، از اینجا ببریم. از اینجا

بگوییم خدایا، من این کار را کردم به حرف تو، خدا هم می‌گوید چون به حرف من کردی اشکال ندارد. چون از

آنجا آوردی، من قبول دارم.

اگر فامیل به داد فامیل برسد، خیلی از مشکلات ما زودتر حل می‌شود. ما در اسلام اصلاً کمیته امداد نداریم! در

اسلام، ما نفقه فامیل فقیر به عهده فامیل پولدار است را داریم. اول پدر و مادرش، بعداً بچه فقیرش که کار می‌کند

و ندارد، بعداً اقوامش. همین‌طور درجه به درجه پایین‌تر می‌رود. بعد اطرافیان و همسایه‌اش و چیزهایی که در قرآن



به آن اشاره شده است. حواستان باشد، فامیل در اسلام خیلی مهم است. من باید مشکلات فامیل را حل کنم. ولی نسبت به آن‌ها این قدر تنگ نظر نباشیم که فقط مال من خوبند از آسمان افتاده‌اند! نه. فامیل دیگران هم همین است. الان شما به مادر خودتان احترام می‌گذارید، بعد مادر شوهر را بی‌احترامی می‌کنید! او هم پسرش را دوست دارد، هر کسی بچه‌اش را دوست دارد. من باید این را بپذیرم. همه شما هم فردا روزی مادر شوهر می‌شوید به خاطر همین یک بچه‌تان که در این کلاس‌ها هستید! آن وقت بعداً ببینید با شما چکار می‌کند! اگر شما خوب باشید با شما خوب برخورد می‌کنند.

حضرت محمد (ص) فرمودند: هر کس در دلش به اندازه یک خردلی عصبیت باشد در روز قیامت با اعراب جاهلیت محشور می‌شود. (منبع الکافی ۲/۳۰۸/۳) در زمان حضرت عبدالمطلب (ع) که پرده‌دار کعبه بودند، یک قتلی اتفاق می‌افتد. بعد، قانون این بود که ۵۰ نفر از قبیله‌ای که متهم هستند به قتل، باید بیایند قسم بخورند بگویند که ما نکشیم. به این قانون قسامه می‌گویند. ۴۸ نفر پیش عبدالمطلب می‌آیند قسم می‌خورند می‌گویند ما نبودیم، ۲ نفر نمی‌آیند، می‌گویند ما ۲ تا شتر به شما می‌دهیم، شما دست از سر ما بردارید. ما نمی‌آییم قسم دروغ بخوریم. ۴۸ نفر به دروغ قسم می‌خورند. به نفع این‌ها تمام می‌شود و کسی هم نمی‌آید که دینه آن مقتول را بدهد. سال بعد در همان روزی که این‌ها قسم خوردند این ۴۸ نفر داشتند از مسافرت بر می‌گشتند به شهرشان، دچار طوفان می‌شوند در غاری می‌افتند سنگی می‌آید در غار را می‌بندد، همه این‌ها آنجا می‌میرند! این ضرب‌المثل عرب‌ها می‌شوند، که اگر قسم دروغ بخورید می‌میرید. از آن به بعد رسم می‌شود.

اما، حق کسی که اذان می‌گوید، آن است که بدانی اذان‌گو به یادآورنده خداوند در دلها و دعوت‌کننده تو به سوی سود و فایده می‌باشد، او بهترین یاری‌کننده برانجام فریضه‌ای است که خداوند قرار داده، پس باید از او به خاطر این کار نیک‌اش شکر کنی. اگر در دل نسبت به بعضی از کارهای او بدبین هستی، در این قضیه باید خوشبین بوده او را به چیزی متهم نکنی که او، نعمتی از نعمت‌های خداوند است. با نعمت خداوند باید برخورد نیکو و شایسته داشته باشی و شکرگذار پروردگار خویش باشی. (به نقل از یکی از مادران)

اگر شوهرتان این نقل را بشنود حتماً می‌رود اذان می‌گوید! چون پیش شما مصونیت پیدا می‌کند. دیگر عیوب او را نمی‌بینید.

سؤال یکی از مادران: اگر بعضی وقت‌ها اشتباهات پدر را به پسر بگویم تا برای تجربه در زندگی آینده‌اش استفاده کند، ایراد دارد؟

پاسخ: بله، اصلاً نگویید. به جهت این که این غیبت می‌شود یا تهمت. چه بسا او کارهای خوبی دارد می‌کند و تو نمی‌فهمی. خیلی مواقع بعضی از اولیاء خدا کارهای خوب می‌کنند، ولی اطرافیان نمی‌فهمند. به هیچ عنوان نگو. تجربه یعنی چه؟ ما حق نداریم دیگران را ارزیابی کنیم و در این ارزیابی به ایشان نمره بدهیم. چه بسا کارهای او صحیح



است و کارهای تو غلط است.

سؤال یکی از مادران: پسر من می گوید چرا بابا را قربان و پادشاه خانه کردی همه حرف هایش را گوش می کنی؟

پاسخ: بله؛ بگو برای این که خدا فرموده الرجال قوامون علی النساء، پیغمبر خدا هم فرموده الرَّجُل سَيِّدَ أَهْلِهِ، بله، بابا پادشاه خانه است.

سؤال یکی از مادران: در مورد قوام بیشتر توضیح دهید.

پاسخ: قوام، کسی است که خدا از او نفقه خواسته، و او را برتر کرده است. و مرد عبادت نکند از او قبول است چون نفقه تو را می دهد!

ما زنان، باید صد در صد عبادتمان را خودمان انجام دهیم. ولی خدا از مرد این را نمی خواهد. همان نفقه دادنش، عبادتش می شود، تمام شد. مرد ۱۷ رکعت نماز بخواند بعد هم در خانه استراحت کند و به سرکار برود. خداوند همه زندگی اش را عبادت می نویسد. نفقه ای که مرد می دهد چون رنج آور و سخت است می گویند به اندازه جهانی فی سبیل الله خط مقدم جبهه است برایش می نویسند.

این که شما می گوید مردها خودشان را برتر می بینند برای زن متکبر، بله! برای زنی که متواضع است چنین نیست. در بحث های عرفانی می گویند عاشقی رفت در خانه، در زد. معشوق از پشت در گفت: کیست؟ گفت: منم. گفت: برو نمی خواهمت. رفت یک سال روی خودش کار کرد. بعد از یک سال آمد در زد گفت: کیه؟ گفت: تو، تو، همه چی تو. گفت: حالا در را باز می کنم داخل شو.

بنابراین، من وقتی به خدا می گویم "منم" اگر بگویم خدایا تو هستی، می گوید بیا.

این که می گوئیم بعضی اوقات مردها متکبرند، این مال زن های متکبر است. باطن کار مهم است. به کلمه "آقا جان" گفتن هم خیلی مربوط نیست. واقعاً پیدا کنید چطور می شود دل او را به دست آورد. منتها، قبل از آن خودتان را برای خدا عزیز کنید. حبیب خدا بشوید. وجیه شوید. همان آیه ۶۹ سوره احزاب. وجیه که شوید، خدا از آن چیزهایی که مرد به تو می گوید، تو را مبرّی می کند. فرمودند: از آن چیزی که دیگران درباره تو می گویند، ما تو را برائت می دهیم.

پس این را حواسمان باشد که خدا مرا مبرّی کند. و اِلا، شما در دروازه را می توانی ببندی، در دهان مردم را نمی توانی ببندی. هر چه هم کار خوب بکنی باز مردم می گویند این جایش کج است آنجایش کج است! اگر ارتباطات با خدا قشنگ باشد خود همین هایی که ایراد می گیرند، می گویند درست است.

سؤال: بین همسر و مادر گیر کردم. مادرم متأسفانه کم لطفی کردند که حق من و همسر ضایع شده. حالا من چکار کنم؟ چون چند وقت یک بار همسر من می گوید خانواده است اهمیت به من نمی دهند. حالا چکار کنم؟ اگر با مادر که کم محلی کنم عذاب وجدان می گیرم، اگر حرف همسر را ارزش بگذارم می بینم ایشان حق دارد چکار کنم؟



پاسخ: هیچی. بگو آقا جان. هر کی سر جای خودش. بگو من عذرخواهی می کنم مادرم به شما کم محلی کرد، اما قرآن گفته و بالوالدین احسانا، اجازه بده من حرف قرآن را اجرا کنم. این را تو باید بگویی. تو می خواهی بگویی من امر خدا را زیر پا بگذارم؟ من از خدا باید بترسم.

سؤال: خمس خانم شاغل را بیشتر توضیح دهید چطور محاسبه کنیم؟

پاسخ: شما باید سال خمس داشته باشید. یعنی این که من اولین حقوقی را که گرفتم می شود سال خمس من. چون شما نفقهات بر شوهر واجب است حقوق می شود منفعت. به تمام حقوق تو خمس تعلق می گیرد. به حقوق شوهر تو زمانی خمس تعلق می گیرد که مازاد داشته باشد. چون باید خرج تو، خرج زندگی و خانه کند. اگر سر سال خمس مازاد داشت، از آن مازادش باید خمس بدهد.

خانم های کارمند، هم خمس برایشان واجب است، هم حج واجب است و خیلی چیزهای دیگر. حق شوهر بر او واجب است. اگر شوهر به او بگوید الان سر کار نرو جای دیگری باش، باید بروی. نمی توانی بگویی من وظیفه ام است.

سؤال: خانم شاغلی که فرمودید باید خمس اش را بدهد، مرد که کار می کند و حقوق اش در خانه استفاده می شود، هیچ مازادی ندارد. این خانم برای کمک به زندگی پول جمع می کند. برای خانه خریدن، ماشین خریدن یا سرمایه گذاری. یعنی به همه این ها هم باید خمس تعلق بگیرد؟

پاسخ: از مرجع اش باید پرسد. بعضی از مراجع می گویند پول زن همه اش خمس است، بعضی می گویند آن چیزی که برای خانه گذاشتی، نه. چون پول زن مازاد است و نفقه زن، بر شوهر واجب است. امام رضا علیه السلام می فرماید: زن، حق ندارد در نفقه ازدواج عقد دائم کمبود پول شوهرش را جبران کند. چرا؟ چون بر شوهر واجب است. این مطلب حتماً باید از مرجع سؤال شود.

سؤال: بعضی جاها واقعاً من زندگی شوهرم را قبول ندارم و اشتباه می گوید. ولی من به خاطر این که شوهرم جلوی بچه ها خراب نشود کوچک اش نمی کنم.

پاسخ: شوهرت را قبول نداری باشد. هر کسی یک نظری دارد. ولی معلوم نیست که نظر من هم صحیح باشد. مردها چیزی را می بینند که من چیز دیگری را می بینم. این را باید حواس مان باشد که نظر شوهرمان کمی بالا پایین کنیم و از نگاه آن ها به زندگی توجه داشته باشیم.



متن کامل دعای فرج همراه با ترجمه فارسی

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي، وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيْبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

خدایا بلاء عظیم گشته و درون آشکار شد و پرده از کارها برداشته شد و امید قطع شد و زمین تنگ شد و از ریزش رحمت آسمان جلوگیری شد و تویی یاور و شکوه بسوی تو است و اعتماد و تکیه ما چه در سختی و چه در آسانی بر تو است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن زمامدارانی که پیرویشان را بر ما واجب کردی و بدین سبب مقام و منزلتشان را به ما شناساندی به حق ایشان به ما گشایشی ده فوری و نزدیک مانند چشم بر هم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد مرا کفایت کنید که شما یید کفایت کننده ام و مرا یاری کنید که شما یید یاور من ای سرور ما ای صاحب الزمان فریاد، فریاد، فریاد، دریاب مرا دریاب مرا دریاب مرا همین ساعت همین ساعت هم اکنون زود زود زود ای خدا ای مهربانترین مهربانان به حق محمد و آل پاکیزه اش

پایان مبحث

جلسه دهم سرکار خانم همیز